

عدم مطلقیت ضرر در امر به معروف و نهی از منکر^۱

سیده محمد حیدری خورمیژی^۲

حمیدقنبری^۳

مهرداد شوشتری^۴

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

۱۶۱

چکیده

یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، عدم ضرر است. در این که ضرر به چه مقدار رافع وجوب است، کمتر به آن پرداخته شده، ولی از ظاهر عبارت فقها چنین استفاده می شود که هر جا ضرری مترتب باشد، به طور مطلق، وجوب این فریضه ساقط است. نگارندگان پس از بررسی نظرات فقها به این نتیجه رسیده اند که قول مشهوری در میان ایشان نسبت به مطلق ضرر وجود ندارد؛ بنابراین، پژوهش حاضر با امعان نظر در ادله نقلی و قواعد فقهی به این نتیجه رسیده که ملاک سقوط و عدم سقوط وجوب این فریضه،

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲.

۲. استادیار فقه و اصول مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم و دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول): رایانامه: dr.heidary436@smc.ac.ir

۳. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم و دانش آموخته حوزه علمیه قم؛ رایانامه: ghanbari1342@chmail.ir

۴. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم؛ رایانامه: mahdishoshtari@chmail.ir

میزان ضرر و مفسده‌ای است که متوجه آمر و ناهی می‌شود یا از ترک آن متوجه افراد، جامعه یا دین می‌شود. پس باید افسد را به فاسد دفع و اهم را بر مهم تقدیم نمود.
کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، مطلق ضرر، عدم ضرر، عدم مفسده.

۱. مقدمه

«معروف» یعنی کار نیکی که عقل، خوبی آن را درک می‌کند یا شرع مقدّس، ما را به خوب بودن آن راهنمایی کرده است و «منکر» یعنی کار بد و ناپسند که عقل، بد بودن آن را درک می‌کند یا شرع مقدّس ما را از ناپسند بودن آن آگاه نموده است (طوسی، بی تا، ۲۸۰/۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰۰/۸). این فریضه الهی طبق اقوال فقها دارای چهار شرط است که عبارت است از: علم به معروف و منکر، احتمال تأثیر، اصرار و استمرار عمل، عدم ضرر.

در فقه ضرر در معنای ذیل به کار رفته است: صدمه جانی زدن به خود و دیگری، اعمّ از ضرب و جرح یا قتل، تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود، تعرض به ناموس دیگران، اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال غیر مانند غصب، خیانت در امانت و اختلاس (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۴۱۵).

«فساد» در لغت به معنای تباه شدن، به ستم گرفتن مال کسی، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری، تباهی، فسق و فجور و فتنه و آشوب به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۷۱۵۰/۹) و فساد کردن به معنای فتنه بر پا کردن، یاغی شدن، لواط کردن، زنا کردن و نافرمانی و گناه کردن به کار می‌رود (زبیدی، بی تا، ۴۵۳/۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ۲۶۸/۱۰)؛ بنابراین، مفسده یعنی آنچه موجب تباهی، ظلم، فجور، فتنه و نافرمانی است.

شرط عدم ضرر و مفسده یکی از این شروط چهارگانه امر به معروف و نهی از منکر است که فقهای امامیه در کتاب‌های فقهی به آن اشاره کرده‌اند و میان فقها دارای شهرت عظیمه است؛ به همین علت، این پژوهش در پی این مسئله نیست که ثابت کند عدم ضرر، شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر هست یا نیست؛ چرا که این شرط دارای شهرتی آشکار و مورد پذیرش فقهاست، بلکه درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا مطلق ضرر شرط امر به معروف و نهی از منکر است یا خیر؟

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۶۲

به هر حال، مشکل است که شرط عدم ضرر را به عنوان یک شرط مطلق نسبت به هر نوع ضرری نگریم؛ لذا بررسی سابقه این شرط در کلمات فقها اهمیت می‌یابد تا علاوه بر واکاوی دلیل این شرط، حدود و ثغور آن نیز مشخص گردد. فقهایی که این شرط را به کار برده‌اند، بعضی از تعبیر «عدم ضرر» و برخی از تعبیر «عدم مفسده» استفاده کرده‌اند و مفسده یا ضرر را شرط می‌دانند. ولی بعضی با سکوت و برخی به صراحت، مطلق ضرر را رافع می‌دانند که این پژوهش در صدد رد دیدگاهی است که مطلق ضرر را رافع می‌داند.

۲. دیدگاه فقها

شماری از فقها فقط عبارت ضرر را به کار برده‌اند و اشاره به مطلقیت آن نکرده‌اند (ابن براج، ۱۴۰۶، ۳۴۱/۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۲، ۱۵/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ۳۵۲/۱؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰، ۳۵۱/۱؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۵۷/۱۳).

اکثر قریب به اتفاق فقها عدم مفسده را به طور مطلق یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند.

شیخ مفید کلمه افساد را به کار برده و آورده که اگر در امر به معروف فساد مترتب باشد، به انکار قلبی و زبانی بسنده می‌شود و اگر از انکار زبانی نیز بترسد، انکار قلبی کفایت می‌کند (مفید، ۱۴۱۳، ۸۰۹).

محقق حلی در شرایط چهارم از شرایط امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: نباید در امر به معروف و نهی از منکر مفسده‌ای باشد. پس اگر گمان ضرر به خود یا مال یا یکی از مسلمانان وجود داشته باشد، امر به معروف و نهی از منکر ساقط است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۳۱۱/۱).

علامه حلی در چهار کتاب خود یعنی قواعد الأحکام، تذکره الفقهاء، تحریر الأحکام الشرعية علی مذهب الإمامیه و منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، در همگی اشاره دارد که مفسده باید از آمر و ناهی منتفی باشد و لذا اگر ظن ضرر به خود یا مال یا بعضی از مؤمنان باشد وجوب امر و نهی ساقط است (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۵۲۴/۱، ۴۴۳/۹، ۱۴۲۰، ۲۴۱/۲، ۱۴۱۲، ۲۴۰/۱۵).

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

شیخ طوسی در بعضی از کتاب‌های خود عبارت مفسده (طوسی، ۱۳۷۵، ۱۴۸، ۱۳۸۷، ۱۶۰) و در برخی دیگر عبارت ضرر را به کار برده است؛ مثلاً می‌فرماید: آمر و ناهی باید بداند که ضرری به خودش یا یکی از مؤمنان در زمان حال و آینده به وجود نیاید؛ لذا در صورت ضرر یا حتی گمان ضرر، امر و نهی واجب نیست (طوسی، ۱۴۰۰، ۲۹۹). در کتاب النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی مطلق ضرر و حتی گمان و مظنه ضرر را مسقط این تکلیف دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۰، ۲۹۹).

ابن‌ادریس حلّی به جای چهار شرط به شش شرط اشاره کرده و شرط چهارم را ایمن از نفس خود می‌داند. شرط پنجم را ایمن از مال خود و شرط ششم را عدم مفسده برمی‌شمارد و در ادامه اشاره می‌کند که اقتصار به همان چهار شرط کافی است؛ چون نداشتن مفسده خود شامل خوف بر نفس و مال است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ۲۳/۲). حلّی آورده است، نباید فعل آمر باعث ضرر بر نفس، مال و مفسده در دین یا دنیا شود، در صورت تکمیل این شروط و حصول استطاعت باید با دست و زبان و قلب، امر به معروف و نهی از منکر کرد (حلّی، ۱۴۱۴، ۱۴۶).

صاحب جواهر در بررسی شرط چهارم یعنی عدم مفسده در وجوب امر به معروف و نهی از منکر، دلایلی می‌آورد که برداشت از آن‌ها این است که به‌طور مطلق در هر کجا مفسده‌ای بر آن مترتب باشد، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۱/۲۱).

فقهای دیگر مانند ابن‌حمزه (۲۰۷/۱۴۰۸) شهید اول (۴۷/۲، ۱۴۱۷) محقق کرکی (۱۴۱۴، ۴۸۷/۳) شهید ثانی (۱۴۱۳، ۱۰۲/۳) و خوانساری (۴۰۴/۵، ۱۴۰۵) شرط عدم مفسده را یکی از شروط امر به معروف دانسته، ولی اشاره‌ای به مطلقیت آن نداشته‌اند.

بنابراین، از بیان فقها که عبارت مفسده یا ضرر را به کار برده‌اند، استفاده می‌شود که تفاوتی بین ضرر و مفسده نیست. در هر صورت، بعضی از فقها اصلاً وارد بحث نشده و از کلمات بعضی دیگر استفاده می‌شود که مطلق ضرر، رافع است و برخی به صراحت، مطلق ضرر را رافع می‌دانند. همان‌طور که آورده شد، شیخ طوسی در کتاب النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی مطلق ضرر و حتی گمان و مظنه ضرر را مسقط این تکلیف دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۰، ۲۹۹) و محقق خوئی نیز مطلق ضرر، چه

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۶۴

ضرر آبرویی یا جان یا مال را بر آمر یا بر مسلمانان دیگر مسقط تکلیف می‌دانند و فرقی هم ندارد که علم به ضرر باشد یا ظن به ضرر یا احتمال عقلایی بدهد. البته در جایی که احتمال تأثیر امر به معروف نباشد، ولی در جایی که احتمال تأثیر باشد، ایشان می‌فرماید: باید رعایت اهمیت شود که در این صورت با علم به ضرر هم امر به معروف واجب است چه برسد به ظن یا احتمال ضرر (موسوی خویی، ۱۴۱۰، ۳۵۲/۱). همچنین محقق حلی در کتاب «نکت النهایه» علم به ضرر یا ظن ضرر در حال یا آینده و به‌طور کلی مطلق ضرر را رافع می‌داند (محقق حلی، ۱۴۱۲، ۱۵/۲).

۳. ادله فقها

اکثر فقها دلیلی بر فتوا و نظر خود بیان نکرده‌اند و از کلام آن‌ها استفاده می‌شود که مطلق ضرر، شرط سقوط امر به معروف و نهی از منکر است. البته صاحب جواهر و تعداد اندکی از فقها ادله شرطیت عدم مفسده و ضرر را به اختصار بیان نموده‌اند، ولی از این ادله هم فقط عدم ضرر برداشت می‌شود و توضیحی درباره اهم و مهم بودن ضرر و مقدار ضرر نداده‌اند.

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

۱۶۵

۱-۳. نیافتن خلاف در مسئله

صاحب جواهر دلیل اول خود را با عبارت «بلا خلاف أجده فیه» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۱/۲۱) آغاز می‌کند، ولی شیخ طوسی، محقق اردبیلی و خوانساری عبارت «بلا خلاف» را به کار برده‌اند (طوسی، ۱۳۷۵، ۱۵۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ۵۳۹/۷؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۴۰۴/۵)؛ یعنی در مسئله مورد نظر هیچ اختلافی نیست، در این که اگر مفسده‌ای بر امر به معروف و نهی از منکر مترتب باشد، وجوب مطلقاً ساقط است.

نقد و بررسی

جمله «بلا خلاف أجده فیه»، دلالت بر اجماع و اتفاق رأی ندارد مخصوصاً با توجه به این که تعداد زیادی از فقها آن را ذکر نکرده‌اند (نوری همدانی، ۱۳۷۱، ۱۷۲).^۱ حتی

۱. مانند شیخ مفید در مقنعه، شیخ صدوق در المقنعه و الهدایه، سید مرتضی در کتاب الانتصار و الناصریات، قاضی ابن براج در جواهر، ابن زهره در غنیه و سلاز بن عبدالعزیز در المراسم.

در صورتی که اجماع باشد، چون مدرک اجماع احتمال دارد آیات و روایت باشد، اجماع مدرکی است و چنین اجماعی کاشف از رأی معصوم علیه السلام نیست. همچنین معنای چنین تعبیری این است که فرد تحقیق و فحص کامل نکرده، ولی به مقداری که تنوع نموده، مخالفی در مسئله نیافته است. این تعبیر حتی از «بلا خلاف» که شیخ طوسی، محقق اردبیلی و خوانساری استفاده کرده‌اند نیز ضعیف‌تر است و «بلا خلاف» نسبت به «اجماع» ضعیف‌تر است؛ زیرا «بلا خلاف» شهادت به عدم الخلاف است؛ یعنی کسانی که مسئله را مطرح نموده‌اند، نسبت به حکم آن اختلافی ندارند.

بنابراین از دلیل اول به دست می‌آید که شرط عدم ضرر یکی از شروط امر به معروف است و هیچ اختلافی در آن نیست، لکن مسئله اجماعی نیست. این اجماعی نبودن، ضرری به اصل بحث که عدم ضرر یکی از شروط است، وارد نمی‌کند. از این دلیل استفاده نمی‌شود که ضرر به طور مطلق در هر جایی رافع وجوب امر به معروف و نهی از منکر باشد؛ چرا که این تعبیر ثابت می‌کند که عدم ضرر شرط آن است ولی دال بر این مطلب نیست که ضرر به طور مطلق رافع است.

جستارهای
فقهی و اصولی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸
۱۶۶

۲-۳. قاعده لا ضرر

قاعده لا ضرر برای رفع وجوب امر به معروف و نهی از منکر در جایی که ضرر باشد، کفایت می‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۴۰/۱۵؛ فیض کاشانی، بی تا، ۵۵/۲؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۴۰۴/۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۱/۲۱).

نقد و بررسی

از ظاهر این قاعده برداشت می‌شود که به طور مطلق در هر جایی که ضرر باشد امر به معروف ساقط است، ولی دیدگاه فقها درباره مفاد حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» و قاعده لا ضرر که مستفاد از آن است واحد نیست، لذا نمی‌توان مطلق ضرر را برداشت کرد یا حداقل مورد تردید است؛ از دیدگاه شیخ انصاری، مدخول

→ البته درست است که شیخ مفید وارد بحث نشده است ولی همان‌طور که در ابتدای مقاله آورده شد شیخ در لابه‌لای مطالب کلمه افساد را به کار برده و توضیحاتی ارائه داده است (مفید، ۱۴۱۳، ۸۰۹).

اصلی «لا» در تقدیر است که همان واژه «حکم» است؛ یعنی حکم ضرری در اسلام نیست (انصاری، ۱۴۱۴، ۱۱۴) نه این که ضرر وجود خارجی ندارد؛ یعنی در اسلام احکامی که موجب ضرر بر بندگان باشد، وجود ندارد. از دیدگاه آخوند خراسانی، «لاضرر» نفی حکم است به لسان نفی موضوع؛ یعنی متعلق حکم که همان موضوع حکم است، برداشته می شود (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۸۱)؛ یعنی نفی ادعایی حقیقت «ضرر» یعنی ادعای ضرر را نفی می کند تا از منتفی بودن حکم آن خبر دهد. از دیدگاه شیخ الشریعة اصفهانی «لا» در «لا ضرر» نفی جنس نیست، بلکه در معنای مجازی یعنی نهی به کار رفته است؛ یعنی حضرت با این کار مردم را از ضرر زدن به دیگران نهی کرده است (شریعت اصفهانی، ۱۴۱۰، ۲۸). میرعبدالفتاح مراغی «لا» را همان لای نفی می داند، اما با این قید که منظور مطلق ضرر نیست، بلکه مقصود ضرر غیرمتدارک است؛ یعنی اگر کسی ضرر زد ملزم به جبران است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ۳۰۴/۱)؛ یعنی نفی ضرر غیر متدارک؛ به این معناست که هر کس به دیگری ضرر بزند، موظف است آن را تدارک و تلافی کند (نراقی، ۱۴۱۷، ۵۰) و یا ممکن است نهی حکومتی باشد؛ یعنی مقصود از «نفی ضرر» یک حکم سلطانی و حکومتی تلقی شود؛ بر این اساس، در حوزه حکومتی من نباید هیچ گونه ضرر و ضیعی بر دیگری وارد شود (خمینی، ۱۳۸۵، ۴۴/۱).

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

۱۶۷

طبق دیدگاه شیخ انصاری، خداوند حکم و جوب امر به معروف را در جایی که ضرر باشد، برداشته است، ولی طبق دیدگاه آخوند خراسانی، در جایی که امر به معروف ضرری باشد، قاعده لا ضرر جاری نمی شود؛ زیرا قاعده برای رفع موضوعی است که ضرری است و در اینجا موضوع ضرری نیست. توضیح این که در باب وضوی ضرری طبق هر دو دیدگاه، قاعده لا ضرر جاری است؛ چه برای رفع حکم و جوب وضو باشد و چه خود موضوع مرتفع باشد؛ زیرا خود موضوع یعنی وضو ضرری است؛ اما در معامله غبنی، حکم لزوم معامله ضرری است نه اصل معامله؛ لذا طبق نظر شیخ، قاعده لا ضرر جاری است، ولی طبق نظر آخوند خیر؛ زیرا موضوع یعنی معامله، ضرری نیست؛ بنابراین در امر به معروف طبق نظر شیخ قاعده لا ضرر جاری است و حکم و جوب برداشته می شود ولی طبق نظر آخوند خیر، زیرا در خود موضوع

یعنی امر به معروف، ضرر نیست.

نظر شیخ انصاری طرفداران بیشتری دارد (طاهری، ۱۳۹۴، ۹۳/۱)، ولی در جای خود باید اثبات شود و طبق نظر دیگران اصلاً جای بحث نیست، چرا که اگر مراد از نفی ضرر طبق نظر میر عبدالفتاح مراغی، ضرر غیر متدارک باشد، به معنای این است که اگر ضرری بر آمر وارد شود، باید به هر نحوی جبران شود؛ یعنی این قاعده به عنوان سند و مدرک برای جبران ضرر از طرف عامل ورود ضرر است؛ یعنی حدیث لا ضرر شامل این مقام نیست؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر ضرری نیست، بلکه ضرر در فعل غیر است؛ یعنی به نوعی ضرر به کردار شخص منکر در جامعه بر می گردد به طوری که او نباید به جامعه ضرر بزند (حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۵۹/۱۳). دیدگاه شیخ الشریعة اصفهانی و امام خمینی نیز همین گونه است؛ چرا که به نوعی ضرر به فعل شخص منکر در جامعه بر می گردد؛ به طوری که نهی حضرت یا نهی حکومتی دالّ بر این است که شخص منکر نباید با فعل منکر خود به جامعه و حوزه حکومتی اسلام ضرر وارد کند.

تا اینجا روشن شد که طبق نظر شیخ انصاری، حکم وجوب امر به معروف در جایی که ضرر باشد، برداشته می شود و این رافعیّت وجوب به حکم عقل در جایی اعتبار دارد که ضرر امر به معروف بیشتر از ترک آن باشد.

این نکته مهم است که قاعده لا ضرر معمولاً در مواردی جاری است که اصل حکم فی نفسه دارای ضرر نباشد و الا اگر احکامی مانند جهاد که فی نفسه دارای ضرر است مادامی که آن ضرر، مازاد بر ضرر ذاتی و طبیعی آن حکم نباشد، ضرر، رافع حکم اولیه نمی شود. توضیح این که مواردی مانند جهاد تخصصاً از قاعده لاضرر خارج است؛ زیرا در جای خود ثابت شده است که این قاعده درباره احکامی است که موضوع آن‌ها در ابتدا ضرری نباشد، مانند نماز، حج، روزه و... ولی اگر حکمی همیشه یا غالباً همراه با ضرر جانی، مالی یا عرضی باشد مانند جهاد در راه خدا، با قاعده لاضرر وجوب آن برداشته نمی شود؛ زیرا با اجرای این قاعده، لغویت ادله وجوب آن‌ها پیش می آید که این بر شارع حکیم قبیح است (حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۵۹/۱۳). این نکته هم روشن است که امر به معروف و نهی از منکر از جهتی مانند

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۶۸

جهاد و بلکه نوعی جهاد است: «از پیامبر ﷺ نقل شده که برترین جهاد کلمه عدلی است که نزد حاکم جائز بیان شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۰/۵).

۳-۳. قاعده نفی حرج

برخی قاعد؛ نفی حرج را برای اثبات نفی ضرر و مفسده به کار گرفته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۱/۲۱، خوانساری، ۱۴۰۵، ۴۰۴/۵؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۵۷/۱۳). مستند این قاعده آیه ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ (حج/۷۸) است. مقصود از حرج در قاعده نفی حرج همان مشقت معمولی است که عقلاً قابل تحمل باشد؛ مثلاً اگر فرض شود که گرفتن روزه یک روزه موجب بیماری باشد، طبق قاعده نفی حرج این روزه واجب نیست (جعفری، ۱۴۱۹، ۹۰).

نقد و بررسی

پاسخ به قاعده نفی حرج همان پاسخ‌هایی است که در قاعده لاضرر بیان شد؛ زیرا در جایی که ضرر نتواند به‌طور مطلق و در همه جا رافع و موجب امر به معروف و نهی از منکر باشد، به‌طریق اولی عسر و حرج نمی‌تواند در همه جا حکم و موجب امر به معروف و نهی از منکر را با ضرر مطلق و مفسده اندک رفع کند.

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

۱۶۹

۳-۴. سهله و سمحه بودن دین

امر به معروف و نهی از منکری که با ضرر همراه است، به دلیل سهله و سمحه بودن دین برداشته می‌شود، پس امر به معروف و نهی از منکری که با ضرر همراه است، به دلیل اراده خدا بر یسر و آسانی برداشته می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۱/۲۱).

البته عبارت صاحب جواهر «سهولة الملة و سماحتها» است، ولی عبارت جامع المدارک و فقه الصادق علیه السلام «وإرادة الله اليسر دون العسر» می‌باشد (خوانساری، ۱۴۰۵، ۴۰۴/۵؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۵۷/۱۳)؛ ظاهراً منظور از قاعده یسر همان قاعده سهولت در دین است. اگرچه فقهای یادشده به‌طور روشن مستند سخن خود را بیان نکرده‌اند، به نظر می‌رسد مهم‌ترین مستند ایشان در سهله و سمحه بودن شریعت، روایات است؛ زیرا در آیات قرآن با صراحت و با لفظ «سهله» و «سمحه» از دین تعریف و تمجید

نشده است. در قرآن گاهی در پی حکمی «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/ ۱۸) یا «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَخَفِّفَ عَنْكُمْ» (نساء/ ۲۸) یا «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مائده/ ۶) آمده که باید در جایی خود مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد اما در بین روایات، مهم‌ترین آن، روایت ابن‌قداح از امام صادق علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام فرمود: همسر عثمان بن مظعون نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! عثمان روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها به عبادت مشغول است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله با حالت غضب آلود به سوی خانه او حرکت کرد. عثمان به نماز مشغول بود و با دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله از نماز منصرف شد. حضرت به او فرمود: ای عثمان! خداوند مرا برای رهبانیت (زهدگرایی و ترک دنیا) نفرستاد، بلکه مرا به دین مستقیم، آسان و سازگار فرستاد (لَكُنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ). من روزه می‌گیرم، نماز می‌خوانم و با همسرم آمیزش می‌کنم. هرکس فطرت مرا دوست دارد، باید به روش من عمل کند و از روش‌های من نکاح است (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۹۴/۵).

نقد و بررسی

اولاً اگر مضمون سمحه و سهله بودن را بپذیریم، با توجه به این که یکی از مبانی یا منابعی که موجب صدور قاعده «لاضرر» و «نفی عسر و حرج» شده، همین سمحه و سهله بودن دین است؛ بنابراین، پاسخ‌هایی که در قاعده لا ضرر بیان شد، در اینجا نیز ساری است.

ثانیاً اجمالاً اصل سمحه و سهله بودن پذیرفتنی است. اما آیا در جایی که ضرر در امر به معروف و نهی از منکر اندک باشد، آیا باز هم می‌توان به قاعده سهولت و سیراستناد کرد؟

ثالثاً همان‌طور که گذشت، مهم‌ترین مستند سمحه و سهله بودن دین، روایت ابن‌قداح است که هم از نظر دلالت قابل استناد نیست؛ زیرا ارتباط زیادی به موضوع محل بحث نداشته و هم از نظر سند مخدوش است؛ زیرا در سند روایت سهل بن زیاد است که نجاشی او را ضعیف و غیر قابل اعتماد دانسته است (نجاشی، ۱۴۰۷، ۱۸۵).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۷۰

۳-۵. روایات

از دیگر ادله‌ای که می‌توان برای سقوط فریضه امر به معروف و نهی از منکر در صورت وجود ضرر بدان استدلال کرد، روایاتی است که فقها بدان استناد کرده‌اند (فیض کاشانی، بی تا، ۵۵/۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ۵۳۹/۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۱/۲۱). پرسش اصلی درباره این روایات این است که آیا این روایات مطلق ضرر را رافع می‌دانند یا می‌توان برداشت دیگری هم از آن داشت؟

۳-۵-۱. روایت اعمش

امام صادق علیه السلام در حدیث شرایع دین فرمودند: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ عَلَى مَنْ أَمَكْنَهُ ذَلِكَ وَلَمْ يَخَفْ عَلَى نَفْسِهِ وَلَا عَلَى أَصْحَابِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۱۲۵).

نقد و بررسی

به این روایت نمی‌توان استناد کرد؛ زیرا در سند آن شخصی به نام اعمش قرار دارد. در کتب رجالی وثاقت اعمش ثابت نشده است، ضمن این که شهید ثانی در تعلیقه خود بر خلاصه الاقوال علامه به او اعتراض کرده است (خویی، بی تا، ۲۸۱/۸)؛ بنابراین، روایت ضعیف است و بزرگانی مانند کشی، نجاشی، شیخ طوسی و علامه حلی درباره او اظهار نظر نکرده‌اند.

همچنین نمی‌توان شهرت عملی را جابر ضعف دانست؛ زیرا باید دانست که مقصود از شهرت عملی آن است که فقهای متقدم فتوای خود را به روایتی مستند کنند که به نظر ضعیف می‌آید (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱۴۲/۱)، ولی فقها در مقام فتوا بدان استناد نکرده‌اند.

۳-۵-۲. روایت مسعدة بن صدقه

امام صادق علیه السلام در روایت مسعدة بن صدقه فرمودند: «لَيْسَ عَلَيَّ مَنْ يَعْلَمُ ذَلِكَ فِي هَذِهِ الْهُدُنَةِ مِنْ حَرْجٍ إِذَا كَانَ لَا قُوَّةَ لَهُ وَلَا عَدَدَ وَلَا طَاعَةَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹).

۱. امر به معروف و نهی از منکر بر کسی واجب است که برای او ممکن باشد و ترس بر جان خودش و مؤمنان دیگر نداشته باشد.
۲. بر کسی که این مشکلات را در این برهه از زمان (خلافت بنی عباس) می‌داند، در جایی که توان، تعداد و اطاعت نیست حرجی نیست.

۱۲۷/۱۶؛ بنابراین، در جایی که شخص دارای قدرت و لشکر نباشد و مردم از او اطاعت نکنند، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.

نقد و بررسی

در سند روایت مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ است. مسعده به عقیده نجاشی (نجاشی، بی تا، ۴۱۵) توثیق نشده و به عقیده بزرگان دیگری همچون کشی (کشی، ۱۴۹۰، ۳۹۰)، شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۲۷، ۱۴۶)، علامه حلی (حلی، بی تا، ۲۶۰)، علامه مجلسی (مجلسی دوم، بی تا، ۱۷۸) و جزایری (جزایری، بی تا، ۳/۳۷۹) تضعیف شده است. حتی مرحوم کشی او را از فرقه بتریه می داند (کشی، ۱۴۹۰، ۳۹۰).^۱

علاوه بر ضعف سند، دلالت حدیث نیز ناتمام است؛ زیرا مدلول روایت، ربطی به ایمنی از ضرر و نداشتن مفسده ندارد تا مطلقیت و عدم آن را از روایت به دست آورد، بلکه ناظر به شرط دوم فقها یعنی شرط تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر است که اگر احتمال تأثیرگذاری نبود - که معمولاً نهی حاکمان جور بی تأثیر است خصوصاً از افرادی که دارای قدرت نیستند - وجوب ساقط می شود، در حالی که احتمال تأثیرگذاری غیر از نداشتن ضرر است.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۱۷۲

۳-۵-۳. روایت یحیی الطویل

امام صادق علیه السلام در روایت یحیی الطویل فرمودند: «إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ فَيَتَعَطَّى جَاهِلٌ فَيَتَعَلَّمُ فَأَمَّا صَاحِبُ سَوْطٍ أَوْ سَيْفٍ فَلَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲۷/۱۶).

۱. بتریه: بضم یا فتح باء و سکون تاء و کسر راء، طایفه‌ای از زبیده‌اند که مقدم داشتن مفضول بر فاضل را جایز می‌شمارند و می‌گویند: ابوبکر و عمر دو امامند، اگر چه امت در بیعت با ایشان در صورت وجود علی علیه السلام خطا کرده‌اند، ولی این، خطایی است که به درجه فسق نرسیده است. این طایفه درباره عثمان توقف کرده و به ولایت علی امیرالمؤمنین علیه السلام دعوت نموده‌اند و این فرقه خروج با فرزندان علی علیه السلام را واجب می‌شمارند و آن را از باب امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند و امامت را برای هر یک از اولاد علی علیه السلام که با شمشیر خروج کند اثبات می‌کنند (صدوق، ۱۴۰۹، ۶، ۵۷۱). بتریون یک قسم از عامه هستند که شباهت آنان به شیعه در این است که می‌گویند: بالاصاله حق خلافت و وصایت با امیرالمؤمنین علیه السلام است. اما خود حضرت این حق را تفویض به آن‌ها کرد و رضایت داد، پس بعد از این تفویض خلافت آن‌ها حق می‌شود. بنابراین از این جهت که قائل اند ولایت بالاصاله متعلق به امیرالمؤمنین علیه السلام است شباهت به شیعه دارند و از این جهت که می‌گویند: در نهایت به جهت تفویض، خلافت حق دیگران شد، شباهت به اهل سنت دارند.

۲. در جایی امر به معروف و نهی از منکر می‌شود که در برابر مؤمنی باشد که پند گیرد یا شخص جاهلی که دانا گردد، اما در برابر صاحب تازیانه و شمشیر وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط است.

نقد و بررسی

اولاً در سند آن شخصی به نام یحیی الطویل وجود دارد که هویتش مشخص نیست و در کتب رجال نه مدحی دارد و نه توثیقی. حتی کسانی در کتب خود به این روایت اشاره کرده‌اند، در بعضی موارد به بررسی سند روایت پرداخته‌اند، اما در بین فقها کسانی هستند که همین روایت را به خاطر عدم وثاقت یحیی الطویل نمی‌پذیرند (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ۱۴۷/۷).

ثانیاً: به نظر می‌آید این روایت نیز مانند روایت قبلی برای شرط احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر باشد نه شرط عدم ضرر؛ به همین جهت، صاحب جواهر ذیل شرط احتمال تأثیر هم به این روایت استناد جسته است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۶۷/۲۱-۳۶۸).

۴-۵-۳. روایت مُفَضَّلِ بْنِ يَزِيدٍ

امام صادق علیه السلام در این روایت فرمودند: «يَا مُفَضَّلُ! مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَصَابَتْهُ بَلِيَّةٌ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهَا وَ لَمْ يَرْزَقِ الصَّبْرَ عَلَيْهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۱/۵).

این روایت را هم علامه حلی و هم صاحب جواهر بدان استناد جسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۵، ۲۴۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۲/۱). در این روایت امام علیه السلام می‌فرمایند: کسی که متعَرَّضِ سُلْطَانِ جَائِرِي بشود و از این ناحیه بلایی به او نازل بشود، اجر ندارد و خداوند تبارک و تعالی به او اجر صبر و بردباری نمی‌دهد. کلمه «تَعَرَّضَ» اگرچه به معنای امر به معروف و نهی از منکر نیست، اما امر به معروف و نهی از منکر را نیز شامل می‌شود؛ چون امر و نهی به سلطان جائر هم، تَعَرَّضَ به اوست و این اعتراض اعم از امر به معروف و نهی از منکر است. «بلیه» در جمله «فَأَصَابَتْهُ بَلِيَّةٌ» مفهومی عام دارد و شامل مشکلاتی است که متوجه شخص می‌شود؛ اعم از مالی، جانی، آبرویی و حتی فراتر از اهل و اقرباست و ممکن است جامعه شیعه را هم در بر بگیرد؛ بنابراین، خداوند نه تنها به چنین شخصی پاداش نمی‌دهد، بلکه ظاهر «لَمْ يُوجَرْ»

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

۱۷۳

۱. ای مفضل! کسی که به سلطان ستمگری تعرض می‌کند و از این ناحیه بلایی به او برسد، پاداشی نمی‌برد و اجر صبر بر بلا نیز به او داده نمی‌شود.

کنایه از این است که این کار به علت وجود بلا و آسیب مشروع نیست.

نقد و بررسی

روایت از نظر سندی خالی از اشکال است؛ به این دلیل که در سند روایت کافی^۱ و شیخ طوسی،^۲ همه راویان مورد توثیق هستند. اعتبارش هم به این دلیل است که ابن ابی عمیر از مفضل روایت نقل کرده است؛ گر چه مفضل بن یزید، توثیق خاص ندارد؛ زیرا او از مجاهیل بوده و نام وی در کتب ثمانیه رجالی نیامده است. همچنین اردبیلی در جامع الرواة به عدم توثیق وی تصریح کرده است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۲/۲۶۱)، ولی باید گفت مفضل بن یزید، مروی عنه ابن ابی عمیر است و به توثیق عام، توثیق می شود.

بنابراین، روایت از نظر سند معتبر است و نیز بر عدم پاداش کسی که با وجود ضرر، نهی از منکر کرده است دلالت می کند، اما این را ثابت نمی کند که مطلق ضرر رافع وجوب امر به معروف و نهی از منکر است. نهایتاً آنچه از این روایت به دست می آید، این است که تعرض به سلطان جائز در آن شرایط نه تنها ممدوح نیست بلکه جایز هم نیست؛ زیرا اولاً در این قبیل موارد نوعاً احتمال تأثیر و پیروزی بسیار ضعیف است و بلکه وجود ندارد. ثانیاً ضرری (بلیه) که متوجه وی و احتمالاً تعداد زیادی از شیعیان می شود، بسیار زیاد است؛ لذا با این شرایط، هیچ فقهی فتوا به وجوب امر به معروف و نهی از منکر نمی دهد، اما در غیر این موارد، در جایی که ضرر اندک باشد، مسئله متفاوت است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۷۴

۵-۵-۳. وصیت نامه امام حسین علیه السلام به محمد حنفیه

بعضی از نویسندگان برای اثبات این که شرط عدم ضرر به طور کلی ساقط است، به روایاتی تمسک کرده اند (محسنی دهکلانی، ۱۳۹۶، ۱/۱۰۲)، ولی شرط عدم ضرر به قوت خود - بنا به دلایلی که گفته شد - باقی است و تنها چیزی که نمی شود از ادله برخی از فقها برداشت کرد، این است که مطلق ضرر باعث سقوط این فریضه است.

۱. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام. (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۶۰).

۲. عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام. (طوسی، ۱۴۲۷، ۶/۱۷۸).

استدلال ایشان به روایتی است که قیام امام حسین علیه السلام در برابر یزید و سخنی که ایشان قبل از رفتن به کربلا فرمودند، بیانگر این است که ضرر در این فریضه شرط نیست: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام». به این روایت چنین استدلال کرده‌اند که امام حسین علیه السلام در قیام خود به ضرر علم داشته و از آن در امان نبودند، با این حال به قیام مبادرت کردند و هدف اصلی از قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر معرفی نمودند. پس ضرر شرط امر به معروف نیست (محسنی دهکلائی، ۱۳۹۶، ۱۰۲/۱).

نقد و بررسی

در مقتل الحسین خوارزمی نامه امام حسین علیه السلام با برادرش محمد حنفیه آورده شده است. خوارزمی آن را از کتاب الفتوح ابن اعثم نقل کرده است.^۲ این روایت از حیث سند مقطوع است و برخی از رجال شناسان ابن اعثم را شیعه و برخی سنی دانسته‌اند، اما با توجه به قرائن در کتاب الفتوح می‌توان گفت او از عالمان اهل سنت است که بسیار پایبند به مکتب خلفاست و در عین حال، متأثر از مذهب شیعه و علاقه‌مند به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است (رک: علی‌انسب، ۱۳۹۲، ۱۰۷/۱۰). پذیرش مضمون این حدیث به معنای پذیرش خلافت ابوبکر، عمر و عثمان است؛ از این رو، این حدیث نه از نظر سند قابل اعتماد است و نه از نظر محتوا قابل پذیرش؛ گرچه بند آغازین آن با آیات قرآنی و احادیث دیگر معصومان سازگاری دارد، ولی بخش پایانی آن تأیید خلافت ابوبکر، عمر و عثمان است (علی‌انسب، ۱۳۹۲، ۱۰۷/۱۰). چه در بخش پایانی چنین آمده

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

۱۷۵

۱. هدف من اصلاح در امت جدم است و اراده کردم امر به معروف و نهی از منکر کنم. می‌خواهم به سیره جدم و پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام عمل کنم.

۲. خوارزمی بخش اصلی مطالب خود را از ابن اعثم نقل کرده است. احمد ابن اعثم کوفی از مورخان کهن تاریخ اسلام است که کتاب مفصل الفتوح او به شرح فتوحات و لشکرکشی‌های صدر اسلام پرداخته است. از آنجا که ابن اعثم به سال ۳۱۴ هـ ق از دنیا رفته و معاصر مورخان مشهوری چون طبری و یعقوبی است، گزارش‌های او نسبت به منابع متأخر از اعتبار بیشتری برخوردار است. از سویی به دلیل انحصاری بودن برخی اخبار او، درباره آن‌ها تأمل جدی وجود دارد؛ به‌خصوص که گاه رنگ داستانی به خود گرفته است. در هر صورت، روایاتی مانند نامه امام حسین علیه السلام به محمد حنفیه که در منابع دیگر نیامده و در آن امام به هدف خود اشاره کرده از گزارش‌های مهمی است که وجود آن در کتاب الفتوح معتنم است. ابن اعثم شیعه نیست، اما سنی بودن او همانند ابن سعد، طبری و ابن کثیر نیست و با توجه به کوفی بودنش گرایش به اهل بیت علیهم السلام داشته و نوعی تشیع عام در او وجود داشته است (صادقی، ۱۳۸۸، ۱۱-۱۲).

است: «و اسیر بسیره جدی و ابی و الخلفاء الراشدین المهدیین» (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱، ۲۷۳).

بنابراین، اگر به جهت تأیید محتوا بند آغازین آن را - که با آیات قرآنی و احادیث دیگر معصومان سازگاری دارد - بپذیریم، برای اثبات موضوع پژوهش حاضر می‌توان از آن بهره جست؛ بدین مضمون که از این حدیث برداشت نمی‌شود که عدم ضرر شرط امر به معروف نیست، بلکه قیام امام حسین علیه السلام برای امر به معروف و نهی از منکر بود و اصلاً دارای ضرر نبود، بلکه به فرموده امام خمینی علیه السلام «شهادت سیدالشهدا علیه السلام چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد؛ نفع داشت برای اسلام؛ اسلام را زنده کرد» (موسوی خمینی، بی تا، ۴۲۰/۸). ثانیاً اگر هم دارای ضرر شخصی بود، امام حسین علیه السلام یک نسبت سنجی بین ضرر شخصی و نوعی انجام دادند؛ یعنی به نوعی یک نسبت سنجی بین اهم و مهم. پس عدم ضرر شرط امر به معروف است، ولی به طور مطلق نیست و نمی‌توان از این روایت برداشت کرد که اصلاً ضرر شرط امر به معروف و نهی از منکر نیست.

نتیجه‌گیری

نویسندگان هم گام با نظر فقها معتقدند فریضه امر به معروف و نهی از منکر مشروط به عدم ضرر است؛ چرا که در یک نگاه جامع، به طور کلی مستندات این نظریه، قابل رد نیست، برخلاف معدودی از فقها که به موضوع معروف و منکرهایی که از نظر شارع دارای اهمیت زیادی هستند، پرداخته‌اند. اکثر فقهای که فتاوی آن‌ها بیان شد، به این موضوع هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند، اما در عین حال، هیچ‌یک به این نکته تصریح نکرده‌اند که ضرر ناشی از امر به معروف و نهی از منکر رافع وجوب نهی از منکر بزرگی مانند قتل، تجاوز به عنف و ضرر مهم به دین است این نکته بیانگر این است که مطلق ضرر رافع مطلق وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست.

از بین روایات، روایت چهارم از لحاظ سند معتبر است، ولی تنها چیزی که به وسیله این روایت قابل اثبات است شرط عدم ضرر در امر به معروف و نهی از

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۷۶

منکر است، اما در عین حال این را ثابت نمی‌کند که مطلق ضرر رافع وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، بلکه نظر مختار را اثبات می‌کند؛ بدین صورت که در هر جا ضرر مهمی یا بلایی وجود داشته باشد، وجوب این فریضه ساقط است، ولی ضرر کمتر از قتل نفس و مانند آن، موجب سقوط امر و نهی نیست؛ چه ملاک در رافعیت وجوب امر به معروف و عدم رافعیت ضرر، مفسده و مصلحتی است که از امر به معروف و نهی از منکر یا ترک آن به دست می‌آید و باید افسد را به فاسد دفع و اهم را بر مهم تقدیم نمود.

همان‌طور که روایت پنجم (اصلاح‌گری امام حسین علیه السلام) بر فرض پذیرش سند و محتوا مدعای پژوهش را ثابت می‌کند، در امر به معروف و نهی از منکر باید بین ضرری که به دلیل امر به معروف و نهی از منکر متوجه آمر و ناهی می‌شود و ضرری که به دلیل ترک معروف یا انجام منکر صورت می‌گیرد، مقایسه نمود و هر کدام را که فسادش کمتر بود، باید انجام داد.

البته ممکن است در این که تحمل چه میزان ضرر رافع وجوب این فریضه است مصداقاً بین فقیهان اختلاف نظر باشد، همچنین در این که کدام معروف و منکر از نظر شارع دارای اهمیت زیادی است، فقها نظر واحدی نداشته باشند، اما این اختلاف نظر اصل مدعای یادشده را مخدوش نمی‌کند.

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

ضمائم (جدول):

مضمون عبارات فقها	منبع		دیدگاه فقها
شیخ مفید این شروط را نیاورده بلکه اشاره کرده که اگر در امر به معروف فسادى مترتب باشد، به انکار قلبی و زبانی بسنده می شود و اگر از انکار زبانی نیز بترسد، انکار قلبی کفایت می کند.	المقتعة	شیخ مفید	فقهایی که مسئله را مطرح نکرده اند
مسئله مطرح نشده است.	جواهر الفقه	ابن براج	
مسئله مطرح نشده است.	مجموعه فتاوی ابن اَبی عقیل	ابی عقیل	
مسئله مطرح نشده است.	دعائم الاسلام	ابوحنیفه مغربی	
مسئله مطرح نشده است.	غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع	ابن زهره حلبی	
مسئله مطرح نشده است.	المقنع	شیخ صدوق	
مسئله مطرح نشده است.	الهدایة فی الأصول و الفروع	شیخ صدوق	
مسئله مطرح نشده است.	من لا یحضره الفقیه	شیخ صدوق	
مسئله مطرح نشده است.	الجعفریات - الأشعثیات	محمد بن محمد اشعث	
مسئله مطرح نشده است.	الانتصار فی انفرادات الإمامیة	شریف مرتضی	
مسئله مطرح نشده است.	المسائل الناصریات	شریف مرتضی	
مسئله مطرح نشده است.	المراسم العلویة و الأحكام النبویة	سلار دیلمی	
مسئله مطرح نشده است.	تهذیب الأحكام	شیخ طوسی	
مسئله مطرح نشده است.	الخلاف	شیخ طوسی	
مسئله مطرح نشده است.	المبسوط فی فقه الإمامیة	شیخ طوسی	

جستارهای
فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۱۷۸

دیدگاه فقها	منبع	مضمون عبارات فقها	
فقهای که عبارات مفسده را به کار برده اند	ابن ادریس	السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی	شرط ششم را عدم مفسده برمی شمارد.
	حلبی	ابن ابی المجد، إشارة السبق إلى معرفة الحق	نباید فعل امر باعث ضرر بر نفس، مال و مفسده در دین یا دنیا شود.
	شیخ طوسی	الجمل و العقود فی العبادات	نباید بر امر به معروف مفسده ای بار شود.
	شیخ طوسی	الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد	نباید در امر به معروف مفسده ای باشد.
	علامه حلبی	در چهار کتاب خود؛ قواعد الأحكام، تذکرة الفقهاء، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة و منتهی المطلب فی تحقیق المذهب	مفسده باید از امر و ناهی منتفی باشد.
	محقق حلبی	شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام	نباید در امر به معروف و نهی از منکر مفسده ای باشد.
	نجفی	جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام	عدم مفسده در وجوب امر به معروف و نهی از منکر شرط است.
	ابن حمزه	الوسيلة إلى نیل الفضيلة	اگر ترس از مفسده داشته باشد، قلبی کفایت می کند.
	شهید اول	الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة	شروط امر به معروف شش تا است که یکی از آنها انتفای مفسده است.
محقق کرکی	جامع المقاصد فی شرح القواعد	انتفای مفسده در امر و نهی یکی از شروط است.	

عدم مطلقیت ضرر در امر به معروف و نهی از منکر

مضمون عبارات فقها	منبع		دیدگاه فقها
مفسده‌ای نباید در این مورد باشد. لذا ظن ضرر به خودش یا مالش یا یکی از مسلمانان، وجوب را ساقط می‌کند.	مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الاسلام	شهیدثانی	فقهای که عبارات مفسده رایج کار برده‌اند
شرط چهارم این است که در امر و نهی مفسده ای نباشد.	جامع المدارک فی شرح مختصر النافع	محقق خوانساری	
مطلق ضرر و حتی گمان و مظنه ضرر مسقط این تکلیف است.	النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی	شیخ طوسی	جستارهای فقهی و اصولی سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶ پاییز ۱۳۹۸ ۱۸۰ فقهای که عبارات ضرر رایج کار برده‌اند؛
در این مورد نباید ضرری وجود داشته باشد.	فقه الصادق <small>علیه السلام</small>	حسینی روحانی	
باید ضرری در نفس، آبرو یا در مال آمر یا یکی از مسلمانان وجود داشته باشد.	منهاج الصالحین	موسوی خویی	
انتفای ضرر از خودش و مال و حتی برادرانش باشد.	إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان	علامه حلّی	
ضرری نباید متوجه خودش یا یکی از مؤمنان باشد نه در حال و نه در آینده و حتی گمان ضرر هم نباید باشد.	نکت النهایة	محقق حلّی	
ضرر و حتی ظن ضرر نباید در آن متوجه خودش یا یکی از مردم باشد نه در حال و نه در آینده.	المهذب	ابن براج	

منابع

• قرآن کریم.

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، (۱۴۰۹ق)، کفایة الأصول، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲. ابن اعثم کوفی، احمد، (۱۴۱۱ق)، کتاب الفتوح، چاپ اول، بیروت: للطباعة و النشر.
۳. ابن براج، قاضی عبدالعزیز طرابلسی، (۱۴۰۶ق)، الممهدب، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن حمزه، محمد بن علی طوسی، (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی علیهم السلام.
۵. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد حلّی، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. انصاری، مرتضی، رسائل فقهیه، (۱۴۱۴ق)، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۹. جزایری، عبد النبی بن سعد الدین، (بی تا)، حاوی الأقوال فی معرفه الرجال، چاپ اول، قم: مؤسسه الهدایة لإحیاء التراث.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۱. جعفری، محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، رسائل فقهی، چاپ اول، تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
۱۲. حرّعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. حسینی روحانی، سید صادق، (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق علیهم السلام، چاپ اول، قم: دار الکتاب - مدرسه امام صادق علیهم السلام.
۱۴. حسینی سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، (۱۴۱۷ق) چاپ پنجم، قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۱۵. حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح، (۱۴۱۷ق)، العناوین الفقهیة، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. حلبی، ابن ابی المجد، علی بن حسن، (۱۴۱۴)، إشارة السبق إلى معرفة الحق، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

۱۷. خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵)، **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، **لغتنامه دهخدا**، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. زبیدی، محمد مرتضی، (بی تا)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، چاپ اول، بیروت، المكتبة الحیة.
۲۰. سبزواری، سید عبد الأعلى، **مهذب الأحكام**، (۱۴۱۳ق)، چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار.
۲۱. شریعت اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد نمازی، (۱۴۱۰ق)، **قاعدة لاضرر**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. صادقی، مصطفی، (بی تا)، **شرح غم حسین علیه السلام ترجمه تحقیقی بخش اصلی مقتل خوارزمی**، قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۰۹ق)، **من لا یحضره الفقیه**، چاپ اول، مترجم: علی اکبر غفاری. محمد جواد و صدر بلاغی، تهران: نشر صدوق.
۲۴. _____، (۱۴۱۸ق)، **الهدایة فی الأصول و الفروع**، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۲۵. طاهری، حبیب الله، (۱۳۹۴ش)، **قواعد فقه**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. طباطبایی قمی، سید تقی، (۱۴۲۶ق)، **مبانی منهج الصالحین**، چاپ اول، منشورات قلم الشرق، قم.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ق)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، **الخلاص**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. _____، (۱۳۷۵ق)، **الاقتصاد الیهادی إلى طریق الرشاد**، چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
۳۰. _____، (۱۳۸۷ق)، **الجمال و العقود فی العبادات**، چاپ اول، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۱. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ق)، **النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی**، چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی.
۳۲. _____، (۱۴۲۷ق)، **رجال**، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. _____، (بی تا)، **التبیین فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (بی تا)، **خلاصة الأقوال فی معرفة احوال الرجال**، چاپ اول، بی جا: مؤسسه نرم افزاری علوم اسلامی نور.

۳۵. _____، (۱۴۱۰ق)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۶. _____، (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، چاپ اول، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، مشهد.
۳۷. _____، (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. _____، (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام
۳۹. _____، (۱۴۲۰)، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام
۴۰. علیا نسب، سید ضیاء الدین و مودب، سیدرضا، «بررسی حدیث اصلاح طلبی امام حسین علیه السلام»، دو فصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، ۱۳۹۲، س ۵ / ش ۱۰ / ص ۹۵-۱۱۰.
۴۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (بی تا)، مفاتیح الشرایع، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۴۲. کشی، محمد بن عمر بن عبد العزیز، (۱۴۹۰ق)، رجال الکشی، چاپ اول، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۴۳. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۴. مجلسی اول، محمد تقی اصفهانی، (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۴۵. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، (بی تا)، الوجیزه فی الرجال، چاپ اول، تهران: همایش بزرگداشت علامه مجلسی - مؤسسه الطباعة و النشر.
۴۶. محسنی دهکلانی، محمد، ایزدی فرد، علی اکبر و منتظری، صالح، «عدم اشتراط ایمنی از ضرر در امر به معروف و نهی از منکر»، فقه و اصول، ۱۳۹۶، س چهل و نهم / ش ۱ / ص ۸۷-۱۰۹.
۴۷. محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۸. محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۲ق)، نکت النهایة، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۴۹. _____، (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام
۵۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، المقنعة، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام

عدم مطلقیت ضرر
در امر به معروف و
نهی از منکر

۵۱. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه، چاپ سوم، تهران: مؤسسه عروج.
۵۲. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۵)، الرسائل، چاپ اول، انتشارات اسماعیلیان.
۵۳. ———، (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل (محشی)، چاپ هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۴. ———، (۱۴۲۵ق)، تحریر الوسيلة، مترجم: علی اسلامی، چاپ بیست و یکم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۵. ———، (بی تا)، صحیفه امام، چاپ اول، موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی، تهران.
۵۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، منهج الصالحین، چاپ اول، قم: نشر مدینه العلم.
۵۷. ———، (بی تا)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، بی جا: مؤسسه نرم افزاری علوم اسلامی نور.
۵۸. نجاشی، احمد بن علی، (بی تا)، رجال النجاشی، چاپ اول، قم: نرم افزار درایه النور.
۵۹. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷ق)، عوائد الايام فی بیان قواعد الأحكام، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶۱. نوری همدانی، حسین، (۱۳۷۱ش)، امر به معروف و نهی از منکر، مترجم: محمد مهدی اشتهااردی، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۱۸۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی